

اسفندیاری ادامه می دهد: داستان دیگر درباره او به پروازش در ارتفاع پایین مربوط است که رعب و وحشت به دل عراقی‌ها می انداخت و آن‌ها می دانستند که بی گمان پشت فرمان این هلی کوپتر ابراهیم فخرایی نشست است. به همین دلیل است که هنگام سرنگون کردن بالگرد او و آتش گرفتنش، بازم بالگرد را به رگبار می بندند تا از کشتن فخرایی خیاالشان آسوده شود.

ویژگی های وطن دوستی ایشان به شدت پررنگ بود و چند داستان هم درباره ایشان به شدت برجسته بود که در ساخت مجسمه راهگشایم شد

● غرور و وطن پرستی در سردیس شهید

فخرایی

در هر صورت اسفندیاری با این پیش زمینه‌ها، دو سردیس ابراهیم فخرایی را که یکی در پایگاه پنجم رزمی هوانیروز مشهد و دیگری در حدفاصل بولوار دانشجوی و صدف جانمایی شده، ساخته است و به گفته خودش سعی کرده، حس غرور و وطن پرستی و قدرتی که از این خلبان الهام گرفته را در سردیس او پیاده کند.

اسفندیاری می گوید: حالت‌های صورت و حالت چشم‌ها و چرخش گردن در مجسمه طوری است که حس قدرت را می رساند. اما معمولا مجسمه‌ساز در هنگام ساخت اثر، حس خود را منتقل می کند. حسنی که زبان، قادر به وصف نیست و با دیدن مجسمه می توان آن را دریافت. همان‌طور که مخاطبان در بازخور ده‌ها، حس غرور را از صورت ایشان و قدرت را از حالت ایستادنشان دریافت کرده بودند. اما متریال این دو سردیس که شبیه هم هستند، از جنس فایبر گلاس با ارتفاع

۸۰ سانتی متر است که روی آن پتینه برزی انجام گرفته است و به گفته اسفندیاری از نظر استحکام، در برابر شرایط جوی بسیار مقاوم است و بیش از ۲۰سال می تواند عمر کند.

سازنده سردیس شهید ابراهیم فخرایی در پاسخ به این سؤال که اگر قرار باشد، تندیس این شخصیت را هم بسازد به چه ویژگی هایی توجه می کند، می گوید: در ساخت تندیس، حتما نیاز نیست که عین به عین نمادهای مربوط به آن شهید را کنار هم گذاشت. مثل اینکه هلی کوپتر کبکری را در کنارش گذاشت. بلکه می توان از فرم‌های فیگاراتیو و انتزاعی برای نشان دادن قدرت ایشان بهره برد. فرم‌هایی که نشان دهد ایشان در عین اینکه خلبانی قدر بوده‌اند، انسانی با روحیه‌ای قوی هم بوده‌اند.

● ابی مشهدی

در جبهه، شهید ابراهیم فخرایی را «ابی مشهدی» صدا می کرده‌اند. او که دوست داشت وقتش را در پرواز بگذراند، عاشق زندگی هم بود. آخرین باری که از اصفهان به قصد دار خوین می پزد، به جای کس دیگری است. آن هم در آستانه نوروز و در حالی که به اندازه کافی پروازهایش را انجام داده است؛ پرواز بی بازگشت در ۱۵ اسفند ۱۳۶۵. هر پرواز جنگی، ده دقیقه بوده است و خلبانان در مجموع در یک روز ۶۰دقیقه پرواز داشته‌اند. اما در همین یک ساعت، خلبان به دلیل استرس بالا و در خطر حمله بودن، هزاربار شهید می شده است و می توان گفت شهید ابراهیم فخرایی هم ۷۰۰ساعت از هزار و ۱۰۰ ساعت پروازش، عملیاتی است که اگر این زمان را در ضرب کنید می بینید که ۴هزار و ۲۰۰بار شهید شده است.

● ساخت نسخه جدید

سازنده مستند «همان» قصد دارد تغییراتی روی اثرش داشته باشد و می گوید: چند منتقد خوب سینما درباره مستند صحبت کرده‌اند. اشکال‌های کار را متوجه شده‌ام برای همین می خواهم با استفاده از فیلم‌های خام، شیوه تدریسش جدیدی را بسازم که طولانی تر است. برای صداگذاری هم از بهروز شهامت که دارنده سه سیمرغ جشنواره فیلم فجر است کمک گرفته‌ام، اما نسخه‌ای که تاکنون مطرح بوده همین مستند سیزده دقیقه‌ای با تدوین حجت حدیدی و آهنگ سازی آرمان پارسیان بوده است.

● اسماعلیان خاطرنشان می کند: از

همان ابتدا دوست داشتم با تیم حرفه‌ای کار را انجام دهم و افرادی هم که درگیر کار شدند همه کسانی هستند که کارهای تلویزیونی و سینمایی انجام داده‌اند. چون مستند به خروجی خوبی رسید برای جشنواره‌ها از جمله فیلم کوتاه تهران فرستادیم که به بخش مسابقه راه پیدا کرد و از بین بیش از ۲۰۰فیلم، جزو ۱۳اثر برگزیده شد.

● این معلم و مستندساز که قصد دارد

مستندی درباره کتاب خوانی در مدرسه تهیه

کند، با انتقاد از

شیوه برگزاری

جشنواره فیلم

رشد می گوید:

جشنواره

فیلم رشد،

قدیمی ترین

جشنواره

کشور است

درباره افزایش هزینه سرویس‌های اشتراک ویدئو

مانور فرهنگ با محوریت سرمایه!



محمد عنبرسوز

شبکه نمایش خانگی در ایران یک رسانه نوپاست که در سال‌های ابتدایی فعالیتش با روش سنتی فروش لوح‌های فشرده شناخته می شد. سرویس‌های موسوم به استریم یا همان سرویس‌های اشتراک ویدئو اما، چند سالی است که پا گرفته‌اند و پس از ریزش برخی رقبای ضعیف‌تر، حالا دو غول استریم در ایران به موازات یکدیگر عهده‌دار بخش محصولات خانگی هستند. در طول سال‌های گذشته، رابطه میان دو مجموعه نماوا و فیلیمو نوسان‌های زیادی را به خود دیده و حالا به نظر می رسد که این ارتباط کاری دوباره در مسیر همکاری و رفاقت قرار گرفته؛ منتهی این بار با پشت کردن به مخاطبان میلیونی نادیده گرفتن حقوق مردم در اوضاع آشفته هجوم ویروس کرونا. لازم به توضیح است که مدیران این دو شرکت حتما استدلال‌های شنیدنی و مهمی برای تصمیمات و سیاست‌های خود دارند؛ اما شفافیت نداشتن و مشخص نبودن یک سازوکار قانونی روشنی که ضمانت اجرایی داشته باشد و هر پلتفرم فرضی دیگری را هم موظف به پیروی از آن کند، مشکل بزرگی است که باید در آینده نزدیک حل شود تا اعتماد مخاطبان به سرویس‌های اشتراک ویدئو به حالتی متعادل باز گردد.

● ماجرای افزایش قیمت

مردم کشور ما در یک سال گذشته با مشکلات و تلاطم‌های باورنکردنی در بخش اقتصادی دست به گریبان بوده‌اند که نهایتا موجب کاهش قدرت خرید و افزایش عجیب قیمت کالاهای مختلف شده است. در این شرایط، شیوع ویروس کرونا هم مزید علت شده تا هر خانواده ایرانی، در مقایسه با چندی قبل که هنوز سریال‌های اختصاصی باب نشده بود، مجبور باشد حدود چهار برابر هزینه کند تا امکان تماشای همه سریال‌ها را داشته باشد. این یعنی نهایتا حق با مشتری نیست و بیننده اگر می خواهد از راه قانونی سریال ببیند، مجبور است هزینه بیشتری را به جان بخرد.

● نبود آییندنگری

استدلال منطقی و تأمل پذیر مدیران دو شرکت نماوا و فیلیمو درباره شرایط اقتصادی و افزایش قیمت مابقی کالا و خدمات در کشور، جای بحث و بررسی دارد. با این حال، اگر از مناسبات تجاری قدری فاصله بگیریم و ماجرا را از بالاتر بررسی کنیم، در خواهیم یافت که دود چنین تصمیم عجیبی در نهایت به چشم فرهنگ کشور خواهد رفت. مخاطبانی که کم‌کم داشتند با هزینه کردن برای تماشای محصولات فرهنگی کشور خودشان به شیوه قانونی و حلال خومی گرفتند، با این افزایش قیمت ناگهانی باید هزینه بیشتری را متحمل شوند که می دانیم در شرایط اقتصادی فعلی، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است و یا اینکه ناچار به مسیرهای نادرست و ضدفرهنگی رهنمون خواهند شد.

رونق دائلود غیرقانونی یکی از نتایج اسفناک این تصمیم است که خودش را در بلند مدت نشان

می دهد؛ زیرا حتی اگر یک خانواده ایرانی در ماه خواهد ۳۰قسمت سریال را هم دنبال کند و حجم متوسط هر سریال ۵۰۰ مگابایت در نظر گرفته شود، باز هزینه تراфик اینترنت برای چنین حجمی، با معیارهای متعارف، کمتر از نصف حق اشتراک لازم برای همین میزان تماشای قانونی در دو پلتفرم نماوا و فیلیمو خواهد بود. این راه هم در نظر داشته باشید که معمولا ۳۰قسمت سریال در یک ماه پخش نمی شود و اگر هم این اتفاق رخ دهد، چنین نیست که همه مشترکان، تمام سریال‌ها را قسمت به قسمت دنبال کنند؛ پس عملا پرداخت حق اشتراک صرف نمی کند.

این تازه طبیعی ترین واکنش مخاطبان به افزایش قیمت است. یک حالت بدتر هم وجود دارد و آن این است که پس از مدتی بیننده‌های شبکه خانگی دوباره به ماهواره‌ها تمایل پیدا کنند و بشماره‌های ماهواره‌ای که در سال‌های اخیر، به واسطه فعالیت‌های فرهنگی مختلف و در رأس آن‌ها تولید محصولات جذاب و متنوع در شبکه خانگی در حال از بین رفتن بودند، دوباره به پشت بام خانه‌ها سرازیر شوند. بیم آن می رود که چندی دیگر مردم مشتری شبکه‌های بی شرافتی شوند که خودشان را پایبند هیچ گونه قانون کپی رایتی نمی دانند و ضمن دزدیدن محتوای شبکه خانگی، مجموعه نامرغوبی از محصولات بنجل فرهنگی و حتی آثار مبتذل و مخرب را هم به خورد بیننده می دهند.

جشنواره نمایش عروسکی از هنرمندقدردانی می کند

از جمله فعالیت‌های صحنه‌ای او می توان از نمایش‌هایی همانند «در انتظار گودو»، «زریچه و پریچه»، «خرس گنده»، «خروس مغرور» و «گره ملوس و روباه عبوس» نام برد.

محمدی در کنار این فعالیت‌های نمایشی، نگارش و کارگردانی فیلم‌های عروسکی آموزشی مانند «شاگرد بازیگوش»، «اردک مغرور» و «من که باورم نمیشه» و تهیه‌کنندگی مجموعه تلویزیونی «قصه‌های تابه‌تا» (زی زی گولو) را در کارنامه هنری خود ثبت کرده است.

فکت و گویا ریحانه مرتضایی‌نیا، کارگردان فیلم «بریسبال»

فیلم‌سازان گرفتار افسردگی شده‌اند



روزنامه شهرامیدوزنگی

شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۹ ۲۳ صبح ۳۳۳۳۳۳۳۳

۱۵ SHAHRAANNEWS.IR

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

● **قاسمی**: فیلم کوتاه «بریسبال» به‌نویسندگی و کارگردانی ریحانه مرتضایی‌نیا به سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «Media film festival» آمریکا راه یافته‌است. جشنواره‌ای برای فیلم‌سازان تجربی که از هنرمندان خلاق و بااستعداد حمایت و فیلم‌های مستقل و باکیفیت را ترویج می کند. فیلم کوتاه «بریسبال» پیش از این هم به جشنواره‌های بین‌المللی بسیاری از جمله جشنواره بین‌المللی فیلم Ramsgate انگلستان راه یافته و از برخی جشنواره‌ها جایزه گرفته بود. این فیلم کوتاه که درباره یک پسر بچه معلول عاشق فوتبال است، تلاش دارد نشان دهد که با وجود ناتوانی هم می توان به رویاها تحقق بخشید. ریحانه مرتضایی که «بریسبال» را به‌عنوان اولین فیلم خود سال ۹۴ به تهیه‌کنندگی امیر صدیق و حمایت معنوی انجمن سینمای جوانان مشهد ساخته است، فیلم‌های کوتاه دیگری از جمله «چشم خواب»، «گره» و «تینسان» را در کارنامه هنری خود دارد.

● ساخت فیلم‌های جشنواره‌ای

مرتضایی‌نیا حضور در جشنواره‌ها را آسیمی می داند که در نوع برنامه‌ریزی مسئولان ریشه دارد؛ در حوزه فیلم کوتاه نگاه بیشتر به سمت جشنواره‌هاست، چون فیلم‌ساز آنجا بیشتر دیده می شود و بحث بازگشت سرمایه هم وجود دارد. در واقع در این اوضاع بد اقتصادی، فیلم‌ها می تواند امید داشته باشند با برنده شدن در جشنواره‌ای، بخشی از سرمایه‌اش باز گردد.

به گفته او مسئله مهمی که باعث رواج این دیدگاه شده است، نبود فرصتی برای اکران فیلم کوتاه است.

این فیلم‌ساز خاطر نشان می کند: در این بین ممکن است عده‌ای تصمیم بگیرند فیلمشان را برای جشنواره‌ای خاص بسازند و به همین منظور سلاطین جشنواره‌ها را در نظر بگیرند. خود من قطعا اول دغدغه موضوع برابم مهم است و با توجه به خروجی فیلم، برای ارسال آن به جشنواره تصمیم می گیرم، اما می بینم که اوضاع اقتصادی کنونی سبب شده بسیاری از فیلم‌سازان در ساخت فیلم گرفتار افسردگی شوند.

● مافیای فیلم‌سازی

مرتضایی‌نیا می گوید: هر سال تعدادی فیلم تولید می شود که هزینه با بودجه یا سرمایه‌شان به عده‌ای وصل است و در آخر هم می بینیم کارشان خروجی مناسبی ندارد، البته کاری به استثنائها ندارم و نمی توانم بگویم همه کارها این گونه هستند، اما واقعا مافیایی در کار فیلم‌سازی هست که اجازه نمی دهد همه آن‌هایی که توانایی انجام کار‌های خوب و مهم دارند، بتوانند دغدغه‌هایشان را بسازند. این مسئله برای فیلم‌ساز بسیار آزاردهنده است. بدتر اینکه وقتی پای صحبت‌های افرادی که به اصطلاح فرهنگ‌دوست هستند، می نشینیم، حرف از حمایت می زنند، اما وقتی کار به جایی می رسد که باید حمایت کنند، با پس می کشند و می گویند نمی توانند هزینه کنند. پس از مدتی هم صدایش درمی آید که همان هزینه را صرف حمایت فیلم‌سازی کرده‌اند که به آن‌ها معرفی شده است و خروجی کارش هم اصلا مناسب نیست.

به نظر کارگردان فیلم کوتاه «بریسبال»، انجمن سینمای جوانان مشهد تلاش می کند تا به فیلم‌سازان کمک کند اما یک‌تنه نمی تواند مقابل برخی از تبعیض‌ها و تفاوت‌ها بایستد. او باور دارد مشکل اصلی به تهران برمی گردد همین مسئله باعث شده است انجمن‌های سینمای جوانان ایران در شهرستان‌ها بیشتر روی کمیت کارها تمرکز کنند، زیرا کمتر به آن‌ها فرصت تولید کارهای مهم و بزرگ داده می شود.

این فیلم‌ساز تأکید می کند: منظورم این نیست که بایبند و به یک فیلم‌اولی بودجه زیادی بدهند. خود من برای همین فیلم «بریسبال» که فیلم اولم بود، اصلا انتظار حمایت زیادی نداشتم، زیرا کسی مرا نمی شناخت و نمی دانست می توانم کار کنم یا نه! اما حالا پس از سخاقت تعدادی فیلم که برخی از آن‌ها در جشنواره‌های متعدد حضور پیدا کرده‌اند، توانستم تاوانی‌ام را ثابت کنم. فیلم‌سازان زیادی در این مرحله قرار دارند، اما باز وقتی حرف از بودجه به میان می آید، فقط به افراد خاصی توجه می شود. البته این مسئله برای همه عوامل فیلم‌سازی وجود دارد. مرتضایی‌نیا باور دارد این بی عدالتی در جشنواره‌ها هم وجود دارد. او می گوید: داوران فیلم‌ها را تا آخر نمی بینند، اما اگر یکی از عوامل فیلم‌ها فرد معرفی باشند، آن فیلم توجهشان را جلب می کند. من هم در جشنواره‌های داخلی و هم خارجی شرکت کرده‌ام و به نظرم جشنواره‌های خارجی بسیار عادلانه‌ترند.

این کارگردان جوان یادآور می شود: من فکر می کنم مجموعه این عوامل سبب شده است که فیلم‌سازها گرفتار افسردگی شدید شوند.

● **هرروز و هرشب» منتشر می شود**

آلبوم «هر روز و هر شب» با صدای آرش و مسیح ۲۰اسفند منتشر می‌شود. پیش‌فروش این آلبوم که متشکل از ۹ قطعه جدید است آغاز شده و علاقه‌مندان برای خرید آن می‌توانند به سایت www.itunes.ir مراجعه کنند. آلبوم جدید مسیح و آرش از سوی مؤسسه فرهنگی هنری «راد» و به تهیه‌کنندگی «سعید سال افزون» به بازار عرضه می‌شود. در هفته‌های اخیر نیز آرش عدل پرور بخش‌های کوتاهی از قطعات این آلبوم را در اینستاگرام با فضایی متفاوت برای طرف‌دارانشان اجرا کرده بود. اولین آلبوم مسیح و آرش عدل پرور به نام «دریا» اسفند ۹۷ به بازار عرضه شد که با استقبال دوستداران این دو خواننده همراه بود.

